

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

س.رها

۰۷ اکتوبر ۲۰۱۳

اشاره ای چند به گفته های «شریعتی» در رابطه با «ویژگی های شخصیت پیامبر»

۱

مقدمه:

دکتر علی شریعتی یکی از ایدئولوگ های اسلامی است که در دهه های بین ۱۰ الی ۶۰ قرن چهارده هجری قمری در ایران می زیست و یکی از کسانی بود که خواستار «تجدیدنظر» در «اسلام حاضر» شده و خواهان بازگشت به «اسلام اولیه»، اسلامی که در آغاز توسط محمد و کتابش به نام قرآن به صحنه ظاهر شده بود، بود. اندک نوآوری هائی که او (شریعتی) در این عرصه داشت، ولایت فقیه و به خصوص اعضای رهبری این نوآوری هارا برنتافته و شریعتی را با نام های «ملحد»، «مارکسیست شرمگین» و... تشهیر نموده و از جامعه آن روزی ایران طرد نمودند. مطهری که خود را یکی از «چیره دست ترین متفکرین و محققین» در اسلام می خواند، نیز از این کارزار عقب نمانده و نظر خود را درباره شریعتی ابراز داشت، «شریعتی می خواست که دین اسلام را تفسیر مارکسیستی نماید»، «شریعتی با وجود آن که خود را روشنفکر اسلامی می خواند، اسلام را از درون درک نکرده بود»، مطهری اسلام را به تخم مرغی تشبیه کرده بود که گویا «شریعتی فقط این تخم مرغ را از بیرون دیده ولی هیچ وقت به درون آن نفوذ نکرده بود» و از این قبیل جملاتی که برای خرد شمردن حریف و عمده ساختن خود کمک می کنند.

اما از آنجائی که ادیان به طور عموم تضاد خاصی با علوم داشته و «زمانی که علم از دروازه داخل می شود، دین از پنجره بیرون می رود» نتیجه می گیریم که چون شریعتی اسلام رانه بلکه علم را همچون تخم مرغ از بیرونش لمس کرده بود و همین لمس کردن علم صرفاً از بیرون و در ظاهر نیز سبب می شد که شریعتی در این بین به تقلا افتیده و گاهی خلاف میل خود، می خواست دین را با علم تلفیق داده و معجون لذیذی از دین و علم تدارک دیده باشد، ولی طوری که معلوم می شود، قادر به انجام این کار نشده- چون تلفیق علم با دین غیر ممکن است- و مجبور می شد بگوید:

«علم هم بعضی اوقات پاسخگوی همه چیز بوده نمی تواند و به اشتباه می غلتد». اما چیزی که عیان است، این است که بلی شریعتی سخت تحت تأثیر علوم و به خصوص علم مارکسیزم قرار گرفته بود که گاهی اوقات خودش مجبور بود که به این حقیقت اذعان داشته و بیان دارد:

«مارکسیزم در سینه هرجوانی بامخالفان خود درجنگ است» واز این بابت نهایت اظهار تأسف داشت که مسلمین نتوانسته اند که اسلام را همچون مارکسیزم از مغلظه بیرون کشیده واز این سرگیجی، سردرگمی وتناقض گوئی نجات دهند- که اساساً همچون کاری، خواب است وخیال، محال است وجنون. زیرا باهیچ تردستی نمی توان ثابت کرد که آفتاب نه بلکه زمین مرکز نظام شمس است وستاره ها در زمین میخکوب شده اند وباهیچ دعا وتعویذی اساساً نمی توان کسی را مجاب کرد که پیامبر با اسب «براق» خود به آسمان ها بالا شد تا آن که درجائی که خداوند می زیست، رسیده باشد وکسی را که نه او را جسم باشد ونه درزمان باشد ونه در مکان، دفعتاً درآسمان برایش یک محدوده زیستی تعیین کند- شریعتی از این که تحت تأثیر علم مارکسیزم وماتریالیزم قرار گرفته بود، هیچ شکی نیست واین «ویژگی» را در تمام آثارش می توان مشاهده کرد:

« آنگاه که گرسنگی بیداد می کند، از مانده های روحی سخن گفتن خیانت است.»(به عاریت گرفته شده از شعر برتولت برشت است که می گوید: آن که می خندد، خبر هولناک را هنوز نشنیده است. این چه دورانیست که سخن گفتن از درختان کم وبیش جنایتی ست؟ چراکه سخن گفتن چنین، دم فرو بستن در برابر جنایات بشمار است)، «خدایا نمی دانم که هستی، نیستی در هر صورت من سخت به تو نیاز دارم» واز این ها مهم تر، او پُت پُتک خود را معتقد به دیالکتیک وسوسیالیزم نیز می دانست، اما بی خبر از این که نه سوسیالیزم واقعی با دین سر سازش دارد ونه هم دیالکتیک.

اما این ها همه نشاندهنده آنست که دکتور تحت تأثیر علم مارکسیزم قرار گرفته بود. در اینجا خواستم روی چند نکته کوتاه در مورد سخنرانی که شریعتی به مناسبت روز تولد پیامبر تحت عنوان «ویژگی های شخصیت پیامبر» ایراد فرموده، مکتی داشته باشم. به دلیل کیفیت بسیار خرابی که سخنرانی مذکور در نوار داشت، تلاش کردم تا همان موضوع را در میان مجموعه آثارش پیدا کنم که متأسفانه موفق به چنین کاری نشدم تا این که، دوستی همان موضوع را اتفاقاً به صورت یک کتاب جداگانه که در اختیار داشت، بعد از درخواست برایم فرستاد. هر چند که «نقد دین، اساس هر نقد دیگر است» اما برای آغاز وانجامی چنین مهمی حداقل به صورت یک کتاب بامحتوای گسترده تر ومفصل تر، پیش شرط هائی لازم اند که بدون آنها، انجام چنین کاری را نتوان کرد، داشتن وقت مساعد، منابع، به دور بودن از اموری که باعث اختلال در انجام چنین کاری می شوند و...از ضروریاتی اند که برای به ثمر رساندن چنین امری، لازم افتد واین قلم اینجا هیچ کدام از آن لازمه هارا در اختیار ندارم. بناءً با در نظر داشت این مسایل، در اینجا به طور هر چند فشرده وگذرا می خواهم روی چند نکته در کتاب مذکور، مکتی داشته باشم.